

## دوساریوز تغییرات احتمالی

عباس عیدی

آیا مشکلات اقتصادی می‌تواند زمینه‌ساز مشکلات و بحران‌های سیاسی و اجتماعی شود؟ این زمینه‌سازی از چه مجرایهایی ممکن است و بحران‌های احتمالی دارای چه ابعادی است؟ این پرسشی است که به‌طور خلاصه در این یادداشت به آن پاسخ داده خواهد شد؛ به‌ویژه اینکه عموم افراد جامعه درگیر یافتن پاسخ برای این پرسش هستند، چرا که می‌بینند مشکلات اقتصادی و غیر اقتصادی وجود دارد و چشم‌اندازی نیز در کاهش آنها دیده نمی‌شود، بنابراین کنج‌کاو هستند که بدانند اثرات این بحران‌ها در عرصه سیاست و تحولات سیاسی چگونه خواهد بود؟

باهر مشرب‌بی که به موضوع نگاه کنیم، این وضعیت و مشکلات بر سیاست اثرگذار خواهد بود. ولی دورویکرد کلی وجود دارد که اولی معتقد است این اثرگذاری به نحوی است که موجب تغییرات ریشه‌ای و سنگین و نیز تاحدی غیر قابل پیش‌بینی می‌شود و لذا خود را برای چنین شرایطی آماده می‌کنند یا حتی درصدد تقویت و شکل دادن به آن احتمال نیز هستند و رویکرد دوم نیز معتقدند این شرایط موجب اصلاحاتی در عرصه سیاست می‌شود تا سیاست را با واقعیات اجتماعی و اقتصادی سازگارتر کنند تا به این وسیله بتوانند از بحران عبور کنند. البته این رویکرد دوم زیرمجموعه‌های گوناگونی دارد و هر کدام نیز می‌کوشند براساس تحلیل و چشم‌اندازی که دارند رفتار کرده و آن را محقق کنند. به نظر نمی‌توان با قطعیت پیش‌بینی کرد که کدام یک از دورویکرد محقق خواهد شد، هر دوسنار یومحتمل است. ولی سناریوی سوم که این مشکلات تأثیری بر سیاست نگذار دو آن حوزه را موصون از تبعات اقتصادی فرض کند، عملاً غیر معقول و غیر منطقی است. بنده معتقد به سناریوی دوم هستم. هم آن را ممکن می‌دانم و هم اخلاقی و هم مفید، هر چند وجود قرائن و شواهدی را هم که می‌تواند رویکرد اول را تقویت کند، رد نمی‌کنم و نادیده نمی‌گیرم. در اینجا می‌کوشم منطق خود را بیان کنم.



مهدی البیسی، روزنامه نگار

بورس در هفته‌ها و ماه‌های اخیر جهشی عجیب و قابل توجه را تجربه کرد. شاخص کل از ابتدای سال روند رو به رشد را آغاز کرد و هر ماه رکودهای جدیدی به جا گذاشت. شاخص کل ابتدا از مرز ۱۰۰ هزار گذشت که بسیاری آن را تاریخی خواندند. اما این رکورد تاریخی تازه ابتدای کار بود و بورس هر هفته رکودهای جدیدی را ثبت می‌کرد سرانجام این رکودشکنی‌ها به نقطه‌ای رسید که هفته پیش شاخص کل وارد کانال ۱۹۰ هزار شد و در آستانه عبور از عدد ۲۰۰ هزار قرار گرفت. اما در هفته جاری و با نوسانات قیمت ارز و کاهش بهای دلار، بازار سرمایه برای اولین بار در ماه‌های گذشته، ریزش ارزش سهام و افت شاخص کل را تجربه کرد. شاخص کل با حرکتی نزولی از کانال ۱۹۰ هزار به کانال ۱۷۰ هزار افت کرد و دیروز باندکی رشد با عدد ۱۸۰ هزار بسته شد.

رشد قابل توجه ارزش سهام در ماه‌های اخیر اما بسیاری از افرادی

## نکاتی لازم برای تازه‌واردان به بورس

## تحلیل بنیادی را بر تکنیکال ارجح بدانید



را که تاکنون به بورس بی‌توجه بودند را به بازار سرمایه علاقه‌مند کرد. به نحوی که کارگزاری‌ها با هجوم تازه‌واردهایی مواجه شدند که به دنبال دریافت کارگزاری برای انجام خرید و فروش در بازار سرمایه بودند. تعداد زیادی از این «کداولی‌ها» با سرمایه‌هایی قابل توجه به بازار سرمایه آمده‌اند.

برخی افت شاخص کل در روزهای اخیر را به کاهش قیمت دلار نسبت می‌دهند و آنرا ناشی از کاهش ارزش سهام شرکت‌های صادرات‌محور همچون پتروشیمی‌ها، فولادی‌ها و صنایع معدنی می‌دانند. این در حالی است که کاهش ارزش سهام در روزهای گذشته تنها به شرکت‌های صادرات‌محور منحصر نبود و ارزش سهام اکثر شرکت‌ها روند کاهشی داشت. از سوی دیگر باید توجه داشت، اگر چه قیمت دلار در بازار آزاد اندکی کاهش داشته است اما ارز حاصل از صادرات پتروشیمی‌ها، فولادی‌ها و صنایع معدنی اساساً در بازار آزاد فروخته نمی‌شود که کاهش اندک قیمت دلار تأثیر چندانی بر آن نداشته باشد بلکه این شرکت‌ها دلار خود را در سامانه نیما

به فروش می‌رسانند که قیمت آن همچون گذشته حول عدد ۹ هزار تومان در نوسان است. از این رو تحلیل دلاری بازار چندان موجه به نظر نمی‌رسد بلکه باید ریشه مشکل را هجوم نقدینگی تازه‌واردها به بورس و رفتار غیر حرفه‌ای و هیجانی آنان تحلیل کرد؛ تازه واردانی که عمدتاً تا همین چندین قبل در بازارهایی مانند سکه و دلار به امید سودهای سفته‌بازانه وارد شده بودند و اینک با شنیدن اخبار جذاب از رونق بورس، با همان تصورات سفته‌بازانه و با منطق بازار سکه و دلار به بازار سرمایه هجوم آورده‌اند. عمده این افراد هیچ درکی از تفاوت سکه و دلار با سهام ندارند و تصور می‌کنند با خرید سهم هم می‌توان به سودهایی کلان رسید. در نتیجه این قبیل افراد وقتی با انگیزه سفته‌بازانه و با نقدینگی قابل توجه از بازار طلا و سکه و دلار به بازار سهام هجوم می‌آورند بازار سرمایه را نیز دچار معضل سفته‌بازی می‌کنند و بسیاری از سفته‌بازان قدیمی بورس نیز به این قبیل تازه‌واردان به چشم طعمه‌ای برای کشاندن پول‌شان پشت سهم‌های مد نظرشان، نگاه می‌کنند.

**مفهوم سهام‌داری باسکه و طلا و دلار و خانه، تفاوتی بنیادین دارد. در بورس در مدت چند روز و چند هفته نمی‌توان به سودی آنچنانی و بادآورده رسید و سپس این بازار را ترک کرد. خرید سهام‌داری و رفتار حرفه‌ای است. بورس بالا و پایین بسیار دارد و مهم این است که سود یک بازیگر در یک بازه زمانی چقدر است**

با تازه‌واردانی که این روزها تعدادشان هم زیاد شده باید چند نکته را به صراحت و بدون تعارف در میان گذاشت: اول این که معنا و مفهوم سهم و سهام‌داری با سکه و طلا و دلار و خانه، تفاوتی بنیادین دارد. در این بازار در مدت چند روز و چند هفته نمی‌توان به سودی آنچنانی و بادآورده رسید و سپس این بازار را ترک کرد. خرید سهم نیازمند فرهنگ سهام‌داری و رفتار حرفه‌ای است. بورس بالا و

پایین بسیار دارد و مهم این است که سود یک بازیگر در یک بازه زمانی میان مدت یا بلند مدت، چقدر است نه در طول چند روز یا چند هفته. افراد تازه وارد به بورس باید بدانند برای سرمایه‌گذاری در بورس حداقل یک بازه عّمّاه الی یک‌ساله را در نظر بگیرند. هر کس وعده سودهایی آنچنانی در بازه‌ای چند روز و چند هفته را داد، در حال پنهان کردن حقیقت بازار سرمایه از چشم آنان است. هر فرد تازه‌واردی باید بداند به بالا و پایین رفتن‌های یومیه ارزش سهم چندان اعتنا نکند و عملکرد سود یا زیان خود را در یک بازه زمانی بلند مدت یا میان مدت، مورد ارزیابی قرار دهد.

دومین نکته این که سهام‌داری نیازمند دانش و دارا بودن حداقلی از این دانش، هر بازیگری می‌تواند به طعمه‌ای برای سایر بازیگران تبدیل شود. از این رو پیشنهاد می‌شود افراد تازه وارد در ماه‌های ابتدایی حضورشان، شخصاً از خرید و فروش تحت تأثیر القانات سیگنال فروشان، خودداری کنند بلکه در ماه‌های ابتدایی از طریق صندوق‌های سرمایه‌گذاری و مدل‌های گوناگون و نسبتاً تضمین شده آنان، در بازار سرمایه حضور داشته باشند و پس از طی کردن دوره‌های آموزشی به تدریج نسبت به خرید و فروش توسط خودشان، اقدام کنند.

تازه‌واردان بهتر است در ماه‌های ابتدایی ضمن گذراندن دوره‌های تحلیل بنیادی و تکنیکال، روند بازار و روند قیمت سهام شرکت‌های گوناگون را زیر نظر داشته باشند تا به درکی بهتر از بورس در دست پیدا کنند و در این دوران آموزش، مدیریت سرمایه خود را به صندوق‌های سرمایه‌گذاری و سیدگردان‌ها بیسپارند.

سومین نکته که بیش از سایر نکات می‌تواند حائز اهمیت باشد، توجه به تحلیل‌های بنیادی و ارجح دانستن تحلیل‌های بنیادی نسبت به تحلیل‌های تکنیکال است. از آنجا بازار سرمایه در ایران هنوز به عمق لازم دست پیدا نکرده است و

**رشد قابل توجه ارزش سهام در ماه‌های اخیر اما بسیاری از افرادی را که تاکنون به بورس بی‌توجه بودند را به بازار سرمایه علاقه‌مند کرد. به نحوی که کارگزاری‌ها با هجوم تازه‌واردهایی مواجه شدند که به دنبال دریافت کد کارگزاری برای انجام خرید و فروش در بازار سرمایه بودند. تعداد زیادی از این «کداولی‌ها» با سرمایه‌هایی قابل توجه به بازار سرمایه آمده‌اند**

میزان نوسان روزانه نیز از محدودیت برخوردار است و همچنین به دلایل فنی دیگر، تحلیل‌های بنیادی بیش از تحلیل تکنیکال می‌تواند جوابگو باشد. قطعاً اگر روزی بورس ایران نیز از عمق لازم برخوردار شود برخی محدودیت‌ها برداشته شد، می‌توان تحلیل‌های تکنیکال را نیز مورد توجه جدی قرار داد. اما در شرایط کنونی، تحلیل بنیادی قطعی‌تر حج تحلیل‌های گذرای تکنیکال است. از این رو افراد تازه کار بهتر است قبل از خرید سهم یک شرکت در ابتدا به تحلیل وضعیت یک آن صنعت، چشم‌انداز سودآوری و پتانسیل گسترش بازار و پتانسیل تولید آن توجه داشته باشند.

همچنین ریسک‌های سیاسی آن صنعت را به صورت متوازن مورد توجه قرار دهند. سپس به ارزیابی صورت‌های مالی شرکتی که قصد خرید سهام آن را دارند، بپردازند و از وضعیت پیش‌بینی سود، سود یا زیان انباشته، دارایی‌ها و ... آن شرکت کاملاً مطلع شوند و سپس نسبت به خرید سهام، اقدام کنند. این نکته باید مد نظر باید که اگر تحلیل بنیادی یک سهم وضع آن را مناسب نشان دهد، می‌توان با احتمال بسیار زیادی نسبت به سوددهی آن در میان مدت و بلند مدت، امیدوار بود.



گزارش عملکرد ارائه دهند، بنابراین در مجموع می‌توان گفت که به لحاظ جمع حمایت‌ها و مشوق‌های مالی، قضایی و اقتصادی تلاش شده تا بستری لازم برای ایجاد انگیزه و حضور مثبت بخش خصوصی برای تکمیل طرح‌های عمرانی دولت فراهم شود. خانلو با یادآوری این که اطلاع رسانی درباره طرح‌های نیمه تمام طبق مصوبه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا بر عهده سازمان صداوسیما و اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران است، گفت: تاکنون مراجعات بسیار زیادی در این باره به اتاق‌های بازرگانی استانی برای کسب اطلاع از طرح‌ها شده و سازمان برنامه و بودجه نیز در حال تهیه سامانه جامعی است تا اطلاعات تکمیلی این طرح‌های عمرانی از این طریق و به صورت دقیق و شفاف در اختیار سرمایه‌گذاران بخش خصوصی قرار گیرد.

دانست و گفت: این عامل در کنار منابع نظام بانکی، صندوق توسعه ملی (ارزی)، فاینانس خارجی و در نهایت آورده بخش خصوصی قابلیت هم افزایی و در نهایت تامین منابع مالی مورد نیاز برای تکمیل طرح‌ها را در پی دارد.

رئیس امور پایش تعهدات دولت و تجهیز منابع سازمان برنامه و بودجه با اعلام اینکه اتمام طرح‌های نیمه تمام به سرمایه‌گذاری ۵۰۰ هزار میلیارد تومانی نیاز دارد افزود: دارندگان نقدینگی‌های سرگردان می‌توانند در ورود به این طرح‌ها هم به اشتغالزایی و درآمدزایی بپردازند و هم در سازندگی نقش مثبتی داشته باشند.

وی ادامه داد: سازمان برنامه و بودجه استان‌ها باید مرتب با رصد اقدامات دستگاه‌های اجرایی، درباره چگونگی توسعه مشارکت با واگذاری طرح‌ها به بخش خصوصی

که طبق قانون بودجه امسال برای برخی از آنها مقرر شده از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در قالب قراردادهای مشارکت عمومی – خصوصی استفاده شود، براساس بررسی‌های

اولیه سازمان برنامه و بودجه ۱۴ هزار و ۵۰۰ پروژه احصاء شده‌اند تا طبق مشوق‌هایی که در نظر گرفته شده با مشارکت بخش خصوصی به نتیجه برسند.

وی با اشاره به مشوق‌هایی که در قالب تبصره ۱۹ قانون بودجه سال ۱۳۹۷ و مصوبه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا در راستای توجیه‌پذیری طرح‌ها در نظر گرفته شده‌اند، گفت: خرید تضمینی محصول و خدمات پروژه‌ها از جانب دولت، ممنوعیت قیمت‌گذاری در محصول و خدمات طرح‌های مشارکتی از جانب دولت، معافیت ۱۰ ساله مالیاتی اجازه تخفیف قیمتی، ارائه تضامینی، امکان ایجاد کاربری‌های چندگانه یا ایجاد سایر تأسیسات جانبی اقتصادی با حفظ کاربری اصلی و عدم تعقیب قضایی مدیران در صورتی که بر اساس مصوبات کارگروه‌های واگذاری اقدام کنند از جمله این مشوق‌هاست.

خانلو همچنین اهرمی کردن بودجه عمومی دولت را یکی از مهم‌ترین مشوق‌های بخش خصوصی در اجرای طرح‌های نیمه تمام

هم پرداختی‌ها کامل نشد تا اینکه در سال جاری در بودجه پیش‌بینی شد تا برای تکمیل طرح‌های عمرانی از توان بخش خصوصی نیز استفاده شود.

بر اساس آخرین آمار از عملکرد بودجه سال جاری باید یادآور شد که از مجموع حدود ۶۷ هزار میلیارد تومانی که تحت عنوان بودجه عمرانی مصوب شده در پنج ماهه اول امسال حدود ۲۵ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان پرداخت شده است.

بررسی آخرین وضعیت پروژه‌های عمرانی و شرایط تامین مالی آن موضوعی است که مژگان خانلو، رئیس امور پایش تعهدات دولت و تجهیز منابع سازمان برنامه و بودجه درباره آن توضیحاتی به ایسنا اعلام کرده است.

وی با اشاره به این که تقریباً در همه فصول عمرانی طرح نیمه تمام وجود دارد، گفت: تعداد طرح‌های نیمه تمام در سطح استانی حدود ۷۰ هزار، در سطح ملی ۵۸۰۰ و در مجموع حدود ۷۶ هزار طرح است که از زمان کلنگ‌زنی برخی از آن‌ها بیش از دو دهه می‌گذرد.

خانلو توضیح داد: فقدان توجیه‌پذیری اقتصادی، تخصیص نیاقتن منابع مالی طرح‌ها و اولویت یافتن برخی طرح‌های دیگر از دلایل طولانی شدن عملیات اجرایی طرح‌ها است

در حال حاضر بیش از ۵۸۰۰ طرح عمرانی نیمه تمام در کشور وجود دارد که عمده آن در حوزه‌های حمل و نقل، انرژی و منابع آب قرار دارد. برای تکمیل این طرح‌ها بیش از ۵۰ هزار میلیارد تومان منابع لازم است.

طرح‌های عمرانی و تکمیل آنها همواره یکی از معضلات دولت‌ها به شمار رفته است، این دو بخش بوده و عمدتاً سهم بودجه‌های عمرانی به بخش جاری که حقوق و دستمزد کارکنان سهم اعظم آن را داراست اختصاص پیدا کرده و پروژه‌های عمرانی نیمه تمام رها شده‌اند.

کمتر سالی بوده است که بودجه عمرانی پیش‌بینی شده در بودجه سالانه کامل محقق شده باشد و می‌توان گفت در سال‌های اخیر بودجه، تجربه‌ای در این رابطه نداشته است. بر این اساس با توجه به حجم بالای پروژه‌های عمرانی در دولت یازدهم اولویت‌بندی آنها برای پرداخت بودجه در دستور کار قرار رفت و بر اساس میزان پیشرفت منابع به این طرح‌ها اختصاص پیدا کرد. ولی در همین جریان